

## تسامح و تساهل شاخصه ایجاد تمدن اسلامی

طاهره ماهرزاده<sup>۱</sup>، زهرا اقبال<sup>۲</sup>

### چکیده

تسامح و تساهل، یکی از شاخصه‌های تمدن اسلامی بوده و به معنای، تحمل و مدارا کردن عقاید گروه‌های مخالف است، البته تا زمانی که اصول اساسی اسلام تهدید نشده و موجب ظلم و گناه نیز نشود. این شاخصه، ابعاد مختلفی را در زندگی فردی، اجتماعی، قبیله‌ای، در میان دولت و ملت و... در برمی‌گیرد. در این نوشتار، نقش تسامح و تساهل در تمدن اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده و به این نتیجه می‌رسد که تسامح و تساهل، مورد پذیرش دین اسلام است و همین امر موجب شکل‌گیری تمدن اسلامی شده است.

**واژگان کلیدی:** تمدن، تمدن اسلامی، شاخصه‌های تمدن اسلامی، تسامح و تساهل.

### ۱. طرح مسئله

با ظهور اسلام، تحولی عمیق در جامعه انسانی به وجود آمد و تعلیم، تعقل و تفکر را جایگزین مصادیق جاهلی کرد. فرهنگ و تمدن اسلامی، یکی از تحولاتی است که اسلام آن را به وجود آورد و سپس گسترش داد. تمدن اسلامی در ابتدای اوج خود، شاخصه‌هایی مانند الهی بودن، کرامت انسانی، اصلاح جامعه و... را به همراه داشت، ولی به مرور زمان، این شاخصه‌ها کم‌رنگ شد. با آغاز انقلاب اسلامی و به دنبال آن بیداری اسلامی، دوباره این شاخصه‌ها احیا شد. تسامح و تساهل، یکی از شاخصه‌های تمدن اسلامی بوده و به معنای تحمل و مدارا کردن است. تسامح و تساهل، رفتاری است که علاوه بر تحمل عقاید مخالف، به انسان اجازه اظهار عقیده‌اش را تا جایی که منطبق عقلایی حکم می‌کند، می‌دهد. تسامح و تساهل، موضوع گسترده‌ای است و ابعاد مختلفی را در زندگی فردی، اجتماعی، قبیله‌ای و در میان دولت و ملت در برمی‌گیرد. سؤالی که مطرح است این است که قلمرو تساهل و تسامح در هر یک حوزه‌ها چگونه است؟ این تحقیق بر آن است که مرز این ابعاد را مشخص کرده و معنای آنها را به عنوان یکی از شاخصه‌های تمدن اسلامی بیان کند.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، از ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، از پاکستان.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۱-۲. تمدن

این کلمه از واژه لاتینی civitas بوده و در انگلیسی به معنای شهروند یا شهرنشین است. به ویژگی‌هایی مانند لطافت، کیاست و لیاقت که دستاوردهای شهرنشینی بوده و برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌های موجود در آن است نیز شهرنشینی می‌گویند. (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۵) در قرآن کریم واژه تمدن به کار نرفته، ولی کلمات حضر، حاضره و مشتقات آنها که به معنای وجود، حضور، شهر و روستا هستند، آمده که همان معنای تمدن را دارند (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۲۷-۳۰). «وَسَأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ...؛ از آنان، سرگذشت شهری را که در ساحل دریا بود، بپرس...». (اعراف: ۱۶۳)

تمدن، تعریف‌های متعددی دارد که جامع‌ترین آنها عبارت است از:

تمدن، مجموعه داشته‌ها و ساختارهای نرم افزاری و سخت افزاری است که در پرتوی ابداعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی، طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک یا چند جامعه که با یکدیگر ارتباط دارند، رایج است. (صنم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴)

### ۲-۲. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمام فعالیت‌هایی است که توسط مسلمانان در دوره اسلامی، در سرزمین‌های اسلامی ایجاد شده است، پس تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که پایه و اساس آن بر محور اسلام می‌گردد، این پایه‌ها شامل دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، اصول دینی و... است. نباید بر این تصور بود که چون این تمدن نام اسلامی به خود گرفته، مظاهر آن همگی برگرفته از قرآن و سنت بوده و تغییرناپذیر است. این نقطه افتراق تمدن از حکم شرعی است. هر چند با گذشت زمان، مظاهر تمدن تغییر یابد، باز هم باید آن را تمدن اسلامی نامید، پس تمدن عصر چا پار هم تمدن اسلامی بوده و تمدن عصر ماهواره و اینترنت هم تمدن اسلامی است. (صاحب‌زمانی، بی‌تا، ص ۸۹)

تمدن اسلامی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی، که انسان را به سوی کمال در این دو بعد سوق می‌دهد. (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲)

منظور از ساخته‌ها، آن بخش از حیات تمدن است که در شرایط عادی در جامعه وجود نداشته و انسان آن را می‌سازد. منظور از اندوخته‌ها نیز آن چیزی است که از انباشتن تجربه‌ها، داده‌ها، دانش‌ها، قراردادها و اختراعات گذشته جوامع بشری تحت حکومت اسلامی، جزء میراث

جامعه اسلامی شده است. (فوزی، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

### ۳-۲. مفهوم تسامح و تساهل

این دو واژه، یعنی تسامح و تساهل، در کتب لغت عربی مترادف هم تلقی شده‌اند. تسامح، از ریشه سمح به معنای آسان گرفتن و سهل گرفتن بر یکدیگر و واژه تساهل، از ریشه سهل به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن، به نرمی رفتار کردن، چشم پوشی، سعه صدر و تحمل هرگونه عقیده مخالف آمده است. (فیروزآبادی، بی تا، ص ۴۶) برخی این دو واژه را از هم تفکیک کرده و آن دو را مترادف نمی‌دانند. این از آن جهت است که گویا در تساهل، نوعی سهل انگاشتن، روانگاری، بی تفاوتی و بی‌مبالاتی نهفته، در حالی که در تسامح، سماحت، بزرگواری، برخورد از موضع بالا و مدارا کردن پنهان است (بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۳۲).

### ۴-۲. تسامح و تساهل در فرهنگ غرب

تسامح و تساهل به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه دادن از روی قصد و آگاهی نسبت به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد. (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۶)

### ۵-۲. تسامح و تساهل در فرهنگ اسلامی

این دو واژه در اصطلاح اسلامی، به معنای آسان‌گیری، مدارا، رفق نسبت به منافقان و بردباری آمده است. علاوه بر این، تحمل هرگونه طریقه نو و کهنه که مخالف با طریقه مقبول شخص باشد و اظهار نفرت نکردن از آداب، اعتقادات دینی و مذهبی مردم را تسامح می‌گویند. بنابراین، تسامح و تساهل باید طرفینی باشد، یعنی هر دو طرف مقابل، باید به هم آسان گیرند و نخواهند عقاید و اعمال یکدیگر را در مواردی که منافعی با آزادی و زندگانی خودشان است، در فشار حدود و قیود ناشی از تعصب بگذارند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴، ص ۸۰) با توجه به این نکات می‌توان گفت که سهل‌گیری و تحمل مبتنی بر آموزه‌های دینی نسبت به باورها و رفتارهای مخالف، به خصوص باورها و رفتارهای دین مخالف را تساهل دینی و سخت‌گیری و عدم تحمل برخاسته از آموزه‌های دینی نسبت به باورها و رفتارهای مخالف، به ویژه باورها و رفتاری دینی مخالف را عدم تساهل دینی می‌گویند (فتحعلی، ۱۳۷۸، ص ۲۱-۶۶).

### ۳. شاخصه‌های تمدن اسلامی

#### ۱-۳. محوریت قوانین قرآن

اولین و عالی‌ترین منبع مشترک در تمام ادیان اسلامی، محوریت قوانین قرآن است. این شاخص،

اهمیت بسیاری دارد و علتش، جامعیت قوانین آن و پاسخ‌گویی به تمام نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. رسول اعظم ﷺ نیز با ندای «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، سعادت را برای همه بشارت داد و پرچم اصالت الله را در مقابل همه انواع شرک برافراشت. در جامعه‌ای که لذات جسمانی و هواهای نفسانی اصل بوده و هدف از خلقت بهره‌گیری از لذات دنیوی است، پیامبر اکرم ﷺ تمدنی را بنیان گذاشت که ستون خیمه آن، خدامحوری، اطاعت از فرامین الهی و نفی الهه‌ها بود. در هرگونه تمدن سازی، گام‌ها باید در صراط مستقیم اصالت الله و کرامت انسان روان شود وگرنه با انسان محوری، دنیاگرایی و نظام ارباب-رعیتی نمی‌توان به تمدن اسلامی رسید. (مظفری، ۱۳۸۵، ص ۹۹)

### ۳-۲. ایمان

اولین هدف بعثت تمام پیامبران، ایمان است.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّغُوتَ ...

و همانا در هر امتی پیامبری فرستادیم که اعلام کند که خدا را بپرستید و از پرستش طاغوت بپرهیزید... (نحل: ۳۶)

أَوْ مَنْ كَانَ مِثْلًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ...

آیا کسی که از نظر عقلی و روحی مرده بود و ما او را به وسیله هدایت و ایمان زنده کردیم و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم به درستی و سلامت حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی‌های جهل و گمراهی است و از آن بیرون شدنی نیست... (انعام: ۱۲۲)

در این آیه، مقابله ایمان و کفر و نور و ظلمت بیان شده، یعنی همان‌گونه که فرد بی‌ایمان در تاریکی واقعی به سر می‌برد، جامعه بدون نگرش توحیدی نیز همین‌گونه است، پس تنها تمدنی می‌تواند برای یک جامعه پویایی و سودمندی همگانی و سعادت به بار آورد، که برشالوده ایمان به حضور خداوند و حیات ابدی انسان باشد. (سعیدی روشن، ۱۳۹۳، ص ۶۸-۷۰)

### ۳-۳. خردورزی

اسلام، دین تفکر و تعمق است. تأکید و توصیه مکرر قرآن به تدبیر، دلیل این ادعاست. «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَيْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؛ آیا با تأمل به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده؟» (غاشیه: ۱۷). «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ؛ و [نیز] در وجود شما [نشانه‌هایی ست] آیا نمی‌بینید؟» (الذاریات: ۲۱). «... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ ... بی‌تردید در این امور برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی بر ربوبیت، حکمت و قدرت خداست» (جاثیه: ۱۳). در اسلام، تفکر بن‌مایه و چشمه جوشان دانش

است و چنان اهمیتی دارد که به صورت استفهام انکاری «افلا تعقلون» و «افلا تتفكرون» آمده است.

### ۳-۴. تسامح و تساهل

تسامح و تساهل، در اصل پذیرش دین وجود دارد، یعنی انسان در اصل انتخاب و پذیرش نوع دین، آزاد و مختار است؛ زیرا فلسفه آفرینش انسان، رشد و تعالی او بر مبنای اختیار و آزادی است، پس در دین اسلام، هیچ‌گونه اکراه و اجباری در پذیرش دین نیست. آزادی انسان در انتخاب دین، عدم اکراه و اجبار در پذیرش دین، هرگز به معنای عدم بازخواست انسان در قیامت نیست. (فولادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴) «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس» (انسان: ۳). «و قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...» و بگو: [سخن] حق که قرآن است فقط از سوی پروردگار شماست، پس هر که خواست، ایمان بیاورد و هر که خواست کافر شود...» (کهف: ۲۹). علامه طباطبایی در المیزان ذیل آیه اول می‌نویسد:

آن سبیلی که خدا به آن هدایت کرده، سبیلی ست اختیاری و شکر و کفری که مترتب بر این هدایت است، در جو اختیار انسان قرار گرفته، هر فردی به هر یک از آن دو که بخواهد، می‌تواند متصف شود و اکراه و اجباری در کارش نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۶)

در آیه دوم تهدید کرده، می‌گوید: «هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود».

(طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۵۳) برای وجود تسامح و تساهل، آیات و روایات زیاد است. برای مثال:

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «لَمْ يُرْسَلِ اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ (برانگیخته شدم به دین حنیف، بی‌آلایش و آسان». (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۹۴)

این حدیث با کمی تفاوت در بسیاری از کتب روایی بیان شده، اما همگی بر این هستند که این روایت، بر تسامح و تساهل و قاعده لاجرح دلالت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۶۳۷) فطرت، آیین اسلام است که خدا مردم را بر آن آفریده و حنیفیه، یعنی روکننده از باطل به سوی حق یا همراهی با آیین حضرت ابراهیم عليه السلام. پیامبر صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «بعثت بالحنيفيه السمحه السهله؛ برانگیخته شدم، به دین حنیف، بی‌آلایش، آسان». در قاموس گوید: «سمحه، آیینی ست که سختی ندارد» (تهرانی، ۱۳۹۷، ص ۴۳۴).

### ۴. تسامح و تساهل، شاخصه ایجاد تمدن اسلامی

علما درباره علل پیدایش و گسترش تمدن اسلامی، بسیار بحث کرده و دو علت اساسی برای آن ذکر کرده‌اند. اولین علت، تشویق بی‌حدی است که اسلام به آن تفکر و تعلیم و تعلم کرده و این تشویق در متن قرآن است. علت دوم برای پیدایش و گسترش تمدن اسلامی، احترامی است

که اسلام به عقاید ملت‌ها گذاشته است. در ابتدا که تمدن اسلامی تشکیل شد، هسته اولیه مسلمان‌ها را اعراب حجاز تشکیل می‌دادند که تمدنی نداشتند. کم‌کم ملت‌ها مسلمان شدند. در آغاز، تعداد کمی از آنها مسلمان شدند، بقیه یا یهودی بودند یا زردشتی یا مسیحی یا صابئی، به خصوص صابئی‌ها بسیار زیاد بوده و زردشتی‌ها خیلی کم بودند. مسلمانان به اندازه‌ای با اینها با احترام رفتار کردند که کوچک‌ترین دوگانگی با آنها نداشتند و همین سبب شد که به تدریج، خود آنها در اسلام هضم شدند، یعنی عقاید اسلامی را پذیرفتند. (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۳۹۵)

## ۵. دو نوع تساهل

آیا قرآن، تسامح و تساهل یا مصالح، یعنی مصالحه کردن، صلح کردن، قرارداد امضا کردن، حتی با کفار و مشرکین را به طور کلی نفی می‌کند یا نه؟ استاد شهید مطهری ذیل این سؤال می‌نویسد:

در اینجا دو مطلب وجود دارد، یک نوعش راقرآن به کلی نفی می‌کند که هرگز به پیامبر ﷺ اجازه نمی‌دهد تا چه رسد به غیر پیغمبر ﷺ و آن این است که مصالح بر اساس خود مواد برنامه و فکر و به اصطلاح امروز ایدئولوژی، یعنی بیابیم این طور کنار بیابیم که تواز بعضی حرف‌هایت صرف نظر کن، ما هم از بعضی حرف‌هایمان صرف نظر می‌کنیم. یک دین حق محال است اجازه بدهد که با دشمن کنار بیابید، بگویید شما از یک حرفتان صرف نظر کنید، ما هم از یک حرفمان چیزی که جزء وحی الهی است، به عنوان کوچک‌ترین مستحب و کوچک‌ترین مکروه، قابل مصالحه و گذشت نیست.

امر دیگری که قابل مصالح و گذشت است و به اصطلاح، تاکتیک بردار است، مصالح در مسئله تاکتیک است. تنازع و مصالح، جنگیدن و صلح کردن، کنار آمدن یا کنار نیامدن در مسئله تاکتیک است و مسئله تاکتیک به اصول، یعنی به مواد برنامه هرگز جریان ندارد، بلکه به عمل جریان دارد. قرآن این اختیار را از پیغمبر ﷺ نگرفته که در مقام اجرا قرارداد صلحی با مشرکین امضا کند، نه در دعوی خودش صلح کند. در مرحله اجرا صلح کردن، یعنی قراردادی امضا کردن، مثل صلح حدیبیه که صلحی است که زودتر از جنگ، شخص را به هدفش می‌رساند. (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۵۷۸)

امام علی علیه السلام در زمان خلافتش مکرر این جمله را می‌فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي». نوشته‌اند:

شخصی از پای منبر بلند شد و با بیان جسارت‌آمیزی گفت: «إِيَّهَا الْمُدْعَى مَا لَا يَعْلَمُ وَ الْمُقَلَّدُ مَا لَا يَفْهَمُ، اَنَا السَّائِلُ فَاجِبٌ؛ اِي مدعی جاهل و ای کسی که نفهمیده حرف می‌زنی! من سؤال می‌کنم تو جواب بده». تا این‌گونه جسارت کرد، اصحاب امام علی علیه السلام با ناراحتی بلند شده و خواستند اذیتش کنند. امام علی علیه السلام فرمود، بنشینید. «إِنَّ الطَّيِّشَ لَا يَقُومُ

بِهِ حُجَجُ اللَّهِ وَ لَا تَطْهَرُ بِهِ بَرَاهِينُ اللَّهِ». این شخص سؤال دارد و از من جواب می‌خواهد، شما خشم گرفتید، می‌خواهید خشونت به خرج بدهید، غضب کردید، عصبانیت به خرج می‌دهید، با عصبانیت نمی‌شود دین خدا را قائم و راست کرد. بعد رو کرد به آن مرد و فرمود: «اَسْتَسْأَلُ بِكُلِّ لِسَانِكَ وَ مَا فِي جَوَانِحِكَ؛ بپرس با تمام زبانت و هر چه در درون دل داری بگو». همین یک جمله کافی بود که این آدم را از ابتدا نرم کند. شروع کرد به سؤال کردن. چندین سؤال کرد و حضرت جواب داد. در آخر یک مرتبه دیدند که آن شخص گفت: «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۱).

## ۶. نتیجه‌گیری

از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که اسلام، دین رأفت، رحمت، ملایمت و نرم‌خویی است، مگر در جایی که این کار موجب سوء استفاده دیگران شده و جامعه اسلامی را به خطر و انحراف برساند. سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، منابع فقهی و احکام عملی اسلام، این مطلب را تأیید می‌کنند که دین اسلام، راحتی مسلمانان را در نظر گرفته است. برای مثال، تیمم به جای وضو، اعتماد به ظن در پیدا کردن قبله با شرایط ویژه، سفارش به اقامه نماز به صورت نشسته و حتی خوابیده و ... تسامح و تساهل در اندیشه‌های اسلامی، سابقه‌ای به قدمت دین اسلام داشته و روح کلی و غالب در تعلیمات اسلامی است. از طرفی، تسامح و تساهل در اسلام، تنها به این معنا پذیرفته است که احکام دینی و وضع و تشریح آن در مقایسه با سایر ادیان، بسیار آسان است، اما به این معنا هم نیست که در همه جا باید چنین کرد، بلکه گاهی نیاز است که تسامح نباشد. همین نکات باریک تسامح و تساهل، باعث شکل‌گیری تمدن اسلامی شد و آن را از اعراب حجاز مسلمان بیرون آورد و توانست مذاهب و فرقه‌های مختلفی را درون خود جای دهد. همین مدارا و تساهل مسلمان‌ها با دیگر گروه‌ها، توانست یک تمدن اسلامی تشکیل دهد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان‌العرب. بیروت: دارصادر.
۲. اسلامی، محمدتقی (۱۳۸۱). تساهل و تسامح. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۴). دولت عقل، ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
۴. بهشتی، سید رضا و دیگران (۱۳۷۶). تساهل و تسامح. مشهد: مجله نامه فرهنگ.
۵. بهیانفر، احمدرضا (۱۳۹۱). شاخصه‌های تمدن اسلامی و انطباق آن با مؤلفه‌های بیداری اسلامی، فصل‌نامه پانزده خرداد. تهران: فصل‌نامه پانزده خرداد.
۶. تهرانی، علی (۱۳۷۹). ترجمه شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام.

۷. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
۸. داوردی اردکانی، رضا (۱۳۷۶). تساهل و تسامح. مشهد: مجله نامه فرهنگ.
۹. درکام، علی (۱۳۸۸). تسامح و تساهل از دیدگاه شهید مرتضی مطهری. تهران: روزنامه کیهان.
۱۰. سپهری، محمد (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان. تهران: نورالتقلین.
۱۱. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). شاخص‌های تمدن اسلامی براساس آموزه‌های قرآن کریم. مشهد: مجله آموزه‌های قرآنی.
۱۲. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (بی تا). سهم اسلام در تمدن جهانی. تهران: بعثت.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
۱۵. غفاری، علی اکبر (۱۳۶۷). من لایحضره الفقیه. مترجم: غفاری، علی اکبر. تهران: نشر صدوق.
۱۶. فتحعلی، محمود (۱۳۷۸). تازه‌های اندیشه، تساهل و تسامح اخلاقی. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۷. فوزی، یحیی، صمیم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱). تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. بی جا: مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.
۱۸. فولادی، محمد (۱۳۷۹). تساهل و تسامح از منظر دین. قم: مجله معرفت.
۱۹. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۳). القاموس المحيط. بیروت: دارالاحیاء التراث.
۲۰. قادری، خانم (۱۳۷۶). تساهل، پلورالیسم و اومانیسم. مشهد: مجله نامه فرهنگ.
۲۱. کرمی فقهی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۶). جستاری نظری در باب تمدن. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. کلینی، الکافی (۱۴۰۷). باب کراهیه الرهبانیه و ترک الباه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: انتشارات صدرا.
۲۶. مظفری (قنبری)، آیت (۱۳۸۵). شاخصه‌های تمدن اسلامی در نگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم. بی جا: مجله مریدان.
۲۷. مفضل بن عمر، مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۹). توحید مفضل، مترجم: توحید مفضل. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۴). تعریف اصطلاحی تساهل و تسامح از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: ماهنامه اخبار ادیان.